شوآف یا ترویج کتاب‌خوانی؟

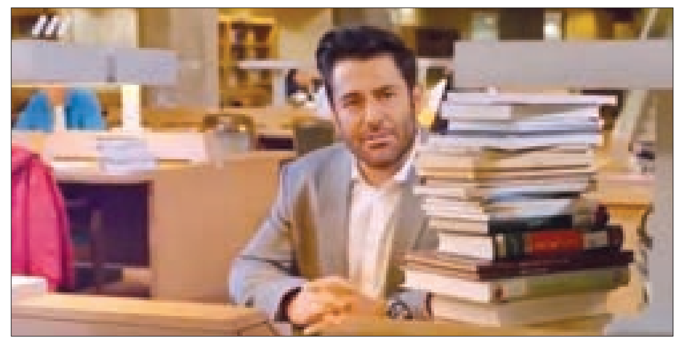

دیدگاه

م. فروغی| مدت‌هاست که سرانه مطالعه در این مرز پرگهر به سوژه‌ای تلخ و نخ‌نما برای خوشمزگی‌های برخی مردم در فضای مجازی تبدیل شده است و نهادهایی که عموما خود را متولی و همه‌کاره فرهنگ می‌دانند، نسبت به اوضاع اسفناک مطالعه ایرانیان واکنشی جز سر تکان دادن یا در بهترین حالت ارائه بیلان کاری بی‌خاصیتی که عموما عناصری تکراری مانند برگزاری نمایشگاه‌های کتاب و مسابقات کتاب‌خوانی و اخیرا تولید برخی برنامه‌های تلویزیونی بی‌ربط را شامل می‌شود، بروز نمی‌دهند. در این میان ترویج فرهنگ مطالعه در مدیوم تلویزیون با برنامه‌ای به سبک «برنده باش» خودش یک تراژدی دیگر است که در مورد آن باید تکلیف خودمان را با چند نکته روشن کنیم.

یک - سال‌هاست که خودمان را وارثان بحق فرهنگ ایرانی‌اسلامی می‌دانیم، اما رویکرد شبکه‌های پرمخاطب تلویزیون به موضوع ترویج فرهنگ مطالعه از هر ۲ زاویه ایرانی و اسلامی نادرست و کاریکاتوری می‌نماید. از نقطه‌نظر دینی در احادیث شریف بارها شنیده‌ایم که دعوت مردم به امور خیر با هر چیزی غیر از زبان بهتر انجام می‌شود، و از نقطه‌نظر فرهنگی هم ما همان مردمی هستیم که «بردل‌نشسته» را مساوی با «ازدل‌برآمده» قلمداد می‌کنیم. در دل چنین جامعه‌ای تلویزیون ملی ایران از مجری‌های عموما کتاب‌نخوانش درخواست می‌کند تا ضرورت مطالعه را با کلمات توی چشم مردم فروکنند و حاصلش می‌شود انواع و اقسام «سوتی»‌های این عزیزان که مثلا با انتشار عکسی در یک فروشگاه لوازم‌التحریر تبلیغ مطالعه می‌کنند؛ رویکردی کاملا فرمایشی و نصیحت‌گونه که فقط در حرف محقق می‌شود. جای سهراب خالی که بگوید «در چراگاه نصیحت گاوی دیدم سیر».

دو - اساسا یک مقوله فرهنگی مانند کتاب‌خوانی بیش از هر چیز دیگری تابع اشاعه فرهنگی است؛ اما رویکرد تلویزیون به تبلیغ کتاب‌خوانی را به وضوح می‌توان «فیک» نامید. اساسا اینکه ما فردی از جنس سلبریتی با تنپوش آن‌چنانی‌اش را مأمور تذکر نقش پررنگ کتاب در زندگی مردم عادی کنیم، خودش یک نقض غرض غم‌انگیز است. طنز ماجرا اینجاست که همین فرموده سفارشی سلبریتی‌ها هم در مدیومی به نام تلویزیون رخ می‌دهد؛ یعنی جایی که ذاتا محل گذران اوقات فراغت و جدا شدن از دریای تفکر است. میخ آخر به تابوت این شکل از ترویج فرهنگ مطالعه را هم باید در شکل برنامه‌هایی جست‌وجو کرد که وظیفه مورد بحث را بر عهده دارند. انگار هیچ‌کس در این دستگاه عریض و طویل تلویزیون حواسش نیست که دانش با اطلاعات عمومی فرق دارد و کاش همان اطلاعات عمومی هم از دل کتاب‌ها دربیاید، نه از انبان سؤالات یک نرم‌افزار عقب‌مانده که برای پاسخ‌های نادرست مخاطبش «پول» طلب می‌کند. سؤال اینجاست که چطور کشوری مثل ایران از جمله معروف شهید مطهری، «ستایشگر معلمی هستم که اندیشیدن را به من بیاموزد نه اندیشه‌ها را»، به ترویج کتاب‌خوانی در قالب اطلاعات عمومی بی‌اساس اینترنتی توسط سلبریتی‌های بیگانه با کتاب رسیده است؟

سه -دم خروس این شکل فرهنگ‌سازی شب عید و در یک رقابت شش‌دقیقه‌ای بین مجری و مهمان یکی از برنامه‌های نوروزی بیرون زد؛ مسابقه‌ای که شاید بتوان آن را به‌قول امروزی‌ها «جاست فور فان» نامید، اما زوایای پنهانش آن‌قدر تأمل‌برانگیز بود که می‌شود مقالات متعددی درباره آن نوشت. در این برنامه بین مهمان و مجری یک رقابت اطلاعات عمومی برنامه‌ریزی شده بود که به شکل طعنه‌آمیزی با سنگ کاغذ قیچی به جریان افتاد و چند نکته تراژیک دیگر را هم در دل داشت. نخست آنکه هیچ سنجه مشخصی برای تشخیص درستی پاسخ‌ها نبود و ۲ مورد پاسخ اشتباه را حتی بیننده عادی هم، در میان قهقهه‌های مجری، فهمید. در این پرسش‌ها اول سؤال از ۳ وزیر ورزش ایران به میان آمد که مهمان برنامه نام نصرا... سجادی و محمد علی‌آبادی را برد و پاسخش مورد قبول واقع شد؛ درحالی‌که اولی هیچ‌وقت از مجلس رأی اعتماد نگرفت و دومی اصلا در زمانی بر مسند ورزش کشور بود که وزارتخانه‌ای برای آن وجود نداشت.

بماند که در خلال طرح این سؤالات، مجری با لحنی کنایه‌آمیز کاپیتان تیم ملی فوتبال را به دلیل ناآگاهی‌اش از بازی فیفا (که اگر یک پدیده ضدفرهنگی نباشد، حتما غیرفرهنگی است) مورد شماتت قرار داد و در جای دیگری هم، به بهانه سؤالی درباره سیستم عامل اندروید، سیب گاززده سیستم آی‌اواس خود را به‌رخ بیننده کشید. احتمالا انضمام این ۶دقیقه از برنامه شب عید به مسابقه اطلاعات عمومی نازلی که پز مطالعه می‌دهد، معیار خوبی برای عیارسنجی فرهنگ مطالعه ماست. جایی که مسئولان فراموش کردند عشق به مطالعه نه از فرمایش‌های مانکن‌های پیچیده در کت و شلوارهای گران‌قیمت، بلکه از هم‌نشینی مردم عادی با فرهیختگان بی‌ادعا و تأثر فرهنگی مثبت از کتاب‌خوان‌های واقعی حاصل می‌شود. برنامه‌های رسانه‌ای که بخش عمده کنداکتورش را به نطق‌های فرهنگی بازیگران درجه‌چندم سریال‌های آبکی یا خواننده‌هایی که قد اکثرشان هنوز به یک آلبوم هم نرسیده اختصاص می‌دهد، اجازه نصیحت مردم در مورد مطالعه را ندارند.

چهار - در میان انبوه رویکردهای غلط در جامعه برای ترویج فرهنگ مطالعه، نباید از برخی راهکارهای اصولی مفید و اغلب مهجورمانده هم غافل شد. در این مورد «کتاب باز» قطعا یک استثنای دوست‌داشتنی محسوب می‌شود که با بهره‌گیری از شخصیت مطلع و درعین‌حال بی‌ادعایی به نام سروش صحت، که او را به‌عنوان کمدین می‌شناسیم، بر سر رسالت خود ایستاده است. «کتاب باز» هیاهو نمی‌کند و عمدتا از مهمانانی دعوت به عمل می‌آورد که بیش از سیما و شهرت، به زیور دانش آراسته باشند. شکل مکالمات این برنامه هم سمت‌وسوی خودنمایی و کلیشه‌های تکراری نصیحتگرانه را ندارد، بلکه به محتوای کتاب‌ها می‌پردازد و حاضران در استودیوی «کتاب باز» چنان از جان و دلشان لذت فهمیدن را تشریح می‌کنند که مخاطب ناخواسته دل‌سپرده تجربه این لذت می‌شود.

> محمد اسماعیل حاجی‌علیان، نویسنده: **واقعیت آن است که کمتر به جنبه آموزشی رمان پرداخته‌ایم و اگر هم نویسندگانی چنین کرده باشند، بیشتر آنانی بوده‌اند که آموزش مفاهیم ایدئولوژیک و یا انگاره‌های سیاسی را مدنظر قرار داده‌اند. برخی از نویسندگان بر این مسئله تأکید می‌کنند که مقوله آموزش رسالت ادبیات داستانی و رمان نیست! آن‌ها معتقدند مهم‌ترین وجه رمان سرگرمی است.**

نگاه کلیشه‌ای جامعه شاعر را فردی عاصی و شورشی می‌داند

گفت‌وگو با زینب صابر، شاعر و پژوهشگر مشهدی

گفت‌وگو

رادمنش| می گوید شعر را مانند بسیاری دیگر از کودکی و نوجوانی شروع کرده و در دوران دانشجویی برایش جدی شده است. جدی گرفتن شعر باعث می‌شود این راه را ادامه دهد و در سروده‌هایش جدی گرفته شود. زینب صابر یکی از نامزدهای دریافت جایزه شعر زنان (خورشید) در سال ۱۳۸۸، نامزد نهایی بخش ویژه جایزه شعر خبرنگاران در سال ۱۳۸۹ و برگزیده جایزه شعر بهاران در سال ۱۳۹۶ است. همچنین اشعارش در نشریاتی چون آزما، زنان امروز، سخن، نافه‌و... چاپ شده است.

او که دانش‌آموخته دکتری فلسفه هنر است، مقاله‌های متعددی در عرصه هنر و شعر و داستان در نشریات علمی پژوهشی به چاپ رسانده است. صابر کتاب‌هایی نیز منتشر کرده است: مجموعه‌شعر «در سایه اشیاء»، «ترجمه شعر و تأثیر آن بر شعر معاصر فارسی» و «درآمدی بر تأثیر ترجمه رمان بر رمان فارسی» (به عنوان یکی از ۲ مؤلف این کتاب).

با این شاعر و پژوهشگر مشهدی که اکنون ساکن پایتخت است، گفت‌وگویی کرده‌ایم که حاصل آن را در ادامه می‌توانید بخوانید.

● **از چندسالگی سرودن را شروع کردید و اصلا چه شد که سراغ شعر رفتید؟**

مثل بسیاری دیگر که به کار شعر مشغول هستند من هم از دوران کودکی و نوجوانی علاقه خاصی به ادبیات داشتم و به اصطلاح خوره کتاب بودم. کتاب‌های شعر و ادبیات از همان کودکی محبوب من بود و خاطرم هست دفتری داشتم که شعرها و خاطراتم را در آن می‌نوشتم. از دوران دانشجویی بود که سرودن برایم خیلی جدی‌تر شد. ما در ایران می‌بینیم که خیلی از افراد یک دوره‌ای سراغ شعر رفته‌اند و می‌دانیم که شعر هنر اول ایرانیان است و این‌طور نیست که فقط افراد خاصی به آن رو آورده باشند. باید گفت که پیش‌فرض این است که همه افراد در دوره‌ای به شعر و شاعری پرداخته‌اند؛ عده‌ای آن را ادامه داده‌اند و عده‌ای نه اما آن دسته که ادامه دادند نیز جمعیت درخوری را شامل می‌شوند.

● **شما سال‌ها تجربه شاعری دارید و در این زمینه جایزه هم گرفته‌اید و نامزد چند جشنواره بوده‌اید، ولی تاکنون فقط یک مجموعه شعر منتشر کرده‌اید. چرا مجموعه دیگری از شما انتشار پیدا نکرده است؟**

حرف شما را تأیید می‌کنم. من مجموعه شعر «در سایه اشیاء» را سال ۹۵ منتشر کرده‌ام اما بعضی از اشعار این مجموعه مال ۱۸، ۱۷ سال پیش است. حالا اینکه چرا دیگر شعرهایم را چاپ نکردم، یکی به خاطر بلبشویی است که در مورد انتشار شعر در کشور حاکم است و بخشی از آن به این دلیل است که در بعضی از انتشاراتی‌ها می‌بینیم که روابط اهمیت بیشتری از محتوا و کیفیت اشعار دارد و بخشی هم ناشی از گرفتاری‌های زندگی شخصی‌ام است که به اهمال کاری خودم مربوط می‌شده است. اما اینکه فقط یک کتاب شعر منتشر کرده‌ام به این معنی نیست که به سرودن توجه نداشته‌ام، اکنون ۲ مجموعه شعر آماده انتشار دارم که البته هنوز اقدامی برای چاپ آن نکرده‌ام.

● **در دوره کارشناسی مهندسی خواندید و بعد تغییر رشته دادید و فلسفه هنر را برای ادامه تحصیل انتخاب کردید. مقالات پژوهشی متنوعی هم دارید که ارتباط مستقیمی با شعر ندارند. این گستره مطالعات چه تأثیری بر شعر شما داشته است و آیا تحصیلات آکادمیک از آنجا که ذهنی منطقی می‌خواهد و منطق را پرورش می‌دهد، با شاعری که احساساتی حساس می‌خواهد منافاتی ندارد؟ تحصیلات آکادمیک باعث کُند یا سخت‌شدن احساسات نمی‌شود؟**

مطالعات و پژوهش‌ها قطعا بر اشعار من تأثیر داشته و به طور کلی مطالعه در حوزه‌های مختلف افق‌های فکری و وجودی شاعر را گسترش می‌دهد و تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر سروده‌هایش می‌گذارد. درست است که شعر با احساسات ارتباط دارد، اما با حوزه‌های دیگر هم در ارتباط است و پشت هر جهان شعری گونه‌ای تفکر و نوعی جهان‌بینی ماحصل تجربه زیسته شاعر هست که می‌تواند شامل تجربیات سیاسی، اجتماعی یا روان‌شناسی باشد، پس شعر را نمی‌توانیم فروبکاهیم به حوزه احساسات. از حوزه فلسفه هنر هم وقتی به شعر نگاه کنیم، اگرچه برخی متفکران آن را بیان احساسات می‌دانند، در رویکردهای دیگر که یکی از آن‌ها بسیار کهن است و قدمتش به فلسفه یونان و دیدگاه‌های افلاتون و ارسطو برمی‌گردد، شعر می‌تواند تعاریف دیگری داشته باشد، چنان که آن را بازنمایی جهان عینی خارج هم می‌دانند. رویکردی معاصر هم هست که شعر و هنر را چیزی جز فرم نمی‌داند و شعر تبدیل می‌شود به رسانه‌ای که قرار است فرمی خلق کند که مخاطب را به حظ زیبایی‌شناسانه برساند. پس شعر می‌تواند تعاریف متفاوتی داشته باشد یا می‌تواند جایگاهی داشته باشد که فیلسوفی مثل مارتین هایدگر برایش قائل است و در واقع شعر را بالاترین هنر و ذات همه هنرها و آشکارکننده همه وجود می‌داند. پس شعر تعاریف مختلفی دارد و نمی‌توانیم آن را فقط به احساسات ارتباط بدهیم.

در مورد مسئله تناقض‌های شاعری با تحصیلات آکادمیک، من به این تناقض قائل نیستم. نمونه‌اش شاعران و داستان‌نویسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند؛ مثلا تی‌اس‌الیوت دکتری فلسفه داشت، سیلویا پلات هم مدرک دکتری داشت یا جومپا لاهیری، نویسنده هندی‌تبار آمریکایی، دکتری هنر دارد؛ بنابراین این‌ها منافاتی با هم ندارند، اما چهره‌ای از هنرمند و شاعر در جامعه ما کلیشه شده که فردی عاصی و شورشی و آنارشیست است که معمولا پشت هاله‌ای از دود قرار گرفته و هیچ مناسباتی را برنمی‌تابد؛ نمونه‌اش چهره‌ای از بوکوفسکی است که در جامعه ادبی ما وجود دارد و در این دوره خیلی هم شاعر محبوبی شده است. این می‌تواند بخشی از واقعیت باشد، اما همه آن نیست. یعنی اگر زندگی شاعران و نویسندگان را بررسی کنیم، خیلی وقت‌ها از مطالعات وسیع آن‌ها شگفت‌زده می‌شویم. در یادداشت‌های نویسنده‌ای مثل ویرجینیا وولف می‌بینیم که چطور صبورانه در حوزه ادبیات کلاسیک و فرهنگ مطالعات جدی داشته است و اذعان می‌کند که روزی ۱۷ ساعت مطالعه دارد و چرخ‌دنده‌های ذهنش همین‌طوری می‌چرخد و این مطالب را می‌خواند و هضم می‌کند؛ یکی از حسرت‌هایش این بوده است که در آن دوره برادرش می‌تواند به دانشگاه کمبریج برود و او به‌دلیل زن بودنش این امکان برایش میسر نمی‌شود، یا مثلا در پشت شعرهای شیمبورسکا، زنی فکور و عمیق را می‌بینیم که دارد شعرش را به منزله بیان نقطه نظرات و افکارش ارائه می‌کند یا حتی فرض کنید شاعری مثل براتیگان که منتسب است به نسل بیت، در شهری که ساکن بوده بیش از آنکه به عنوان شاعر معروف باشد، به عنوان خواننده حرفه‌ای کتاب معروف بوده است.

● **تعدادی از شعرهای قدیمی شما را خوانده‌ام، بیشتر فضایی زنانه داشت و این می‌تواند باعث محدودشدن جامعه مخاطبان شما بشود و از طرفی شعر شما را شبیه به شعر دیگر شاعران زن کند. در این سال‌ها و با توجه به مطالعات و تجربیاتی که داشتید، فضای شعری شما تغییر داشته است؟**

احتمالا شما اشعاری که در دوره کارشناسی سروده‌ام منظورتان است. خب نسبت به آن دوره مطالعه روشمندی که در حوزه هنر و فرهنگ داشته‌ام باعث شده که نگاه من به شعر و فرم در شعر حرفه‌ای‌تر و جدی‌تر شده باشد و شعر را چیزی بیشتر از بیان صرف احساسات بدانم. این را که شعر من چه تغییراتی داشته فکر می‌کنم بهتر باشد دیگران قضاوت کنند. در مورد شبیه‌بودن شعر زنان به هم شاید نشود به این راحتی به این شباهت قائل بود. در شعر معاصر فارسی شاید بیش از اینکه راجع به جنسیت شاعران صحبت کنیم راحت‌تر باشد که در مورد جریان شعری صحبت کرد. مثلا در شعر دهه هفتاد بازی‌های زبانی خیلی مورد توجه بود. در این جریان شعری هم شاعران مرد و هم شاعران زن بودند که زبان، تصاویر و استعاره‌هایی که به کار می‌بردند به یک سبک و شکل بود و به هم شباهت داشت. شعر دهه هشتاد و نود جریانی بود که زبان سالم‌تر و ساده‌تر بود. در این دوره و جریان شاهد حضور زنان و مردان شاعری هستیم که باز هم شعرشان به هم نزدیک‌تر است. شعر زنان در دهه هفتاد با شعر زنان در دهه هشتاد و نود خیلی شبیه به هم نیست و ما بیشتر به آن جریان شعری می‌توانیم قائل بشویم تا جنسیت شاعر.

رویداد

روزهای خبرساز پیش روی نویسنده مشهدی

نشان «فیروزه هنر» به سعید تشکری، به عنوان چهره سال هنر انقلاب اسلامی خراسان رضوی به انتخاب جمعی از هنرمندان پیشکسوت و مسئولان فرهنگی استان، اهدا می‌شود.

بنا به اعلام حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی، قرار است از این نویسنده و مدرس ادبیات داستانی «به واسطه تولیدات شاخص ایشان در حوزه داستان انقلاب، ترویج ادبیات داستانی با مضامین هویتی سرزمین خراسان»، به‌عنوان چهره سال ۱۳۹۸ هنر انقلاب اسلامی استان تجلیل شود. این اتفاق در ساعت ۱۷فردا سه‌شنبه ۲۷ فروردین در سالن همایش‌های مؤسسه فرهنگی قدس رخ خواهد داد.

همچنین انتشارات به‌نشر از عرضه ۳اثر تازه از این نویسنده مشهدی در نمایشگاه کتاب پایتخت خبر داده است. «اوسنه گوهرشاد»، «آبی‌ها» و «موقف» به عنوان جدیدترین آثار سعید تشکری به همت این انتشاراتی در سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه می‌شود. «اوسنه گوهرشاد» مجموعه‌ای از داستان‌های به‌هم‌پیوسته فانتزی با موضوع انقلاب اسلامی است و در آن، گوهرشادبیگم بعد از سده‌ها به مسجد گوهرشاد می‌آید، درحالی‌که قرار است ملکه این بنا را ویران کند. «آبی‌ها» نیز رمانی رضوی و داستان پزشکی است که به دنبال گوهر کامل معاصر خویش است و دیگر نمی‌خواهد در پستوی قدرت راهبان بماند، او در این رمان با عشق زمینی و آسمانی روبه‌رو می‌شود. «موقف» سومین کتاب تازه تشکری، درباره دعبل خزایی، شاعر شیعی و ستایشگر امام هشتم (ع) است. سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۴ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ در مصلای بزرگ امام خمینی (ره) برگزار می‌شود.

شهرآرا ورزشی حامی ورزش مشهد

آگهی مزایده

موضوع: مزایده نوبت دوم بهره برداری از مکان نمایشگر تبلیغاتی

سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد در نظر دارد نسبت به واگذاری موقت مکان واقع در تقاطع میدان دکتر شریعتی ضلع شمال شرقی را جهت بهره برداری از سازه دیجیتال بیلبورد شهری مطابق شرایط و شرح مندرج در اسناد مزایده اقدام نماید. لذا از کلیه کانون ها و شرکتهای تبلیغاتی واجد شرایط و مورد تایید کمیته توانسنجی دعوت میگردد جهت دریافت اسناد به نشانی ذیل مراجعه نمایند.

مبلغ پایه سالیانه شرکت در مزایده: ۲.۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۱۲۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

نشانی جهت دریافت و تحویل اسناد: مشهد بلوار وکیل آباد حد فاصل وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانها. تلفن تماس: ۳۱۲۹۸۰۶۵ - ۳۱۲۹۸۰۸۷

آخرین مهلت مراجعه به منظور تحویل اسناد مزایده به سازمان: پایان وقت اداری روز پنجشنبه ۱۳۹۸/۰۲/۰۵

(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)

(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد) جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید

روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

امضای عربی پای آثار ایرانی

یدا... کابلی، خوش‌نویس برجسته ایرانی مطرح کرد

عکس: مهر

شکیبا افخمی‌راد| هنردوستان مشهدی نگارخانه رضوان را با نمایشگاه‌های خوشنویسی‌اش می‌شناسند و تقریبا هفته‌ای نیست که آثار خوشنویسی از هنرمندان نوپا گرفته تا اساتید برجسته کشور در این نگارخانه به‌نمایش درنیاید. «نوازش قلم» عنوان نمایشگاهی شامل تابلوهای شکسته نستعلیق مهدی اسماعیلی مود، خوشنویس بیرجندی است که این روزها در نگارخانه رضوان برپاست که می‌توانید عکس‌های این نمایشگاه را نیز در گزارش تصویری پایین صفحه مشاهده کنید تا اگر برایتان جذابیت کافی را داشت سری هم به نگارخانه رضوان بزنید و هنر مهدی اسماعیلی مود را از نزدیک تماشا کنید. اما نکته درخور توجه این نمایشگاه حضور یدا... کابلی خوانساری عضو شورای عالی انجمن خوش‌نویسان ایران و دارنده گواهی‌نامه استادی و درجه‌یک هنری در خط شکسته معاصر خوشنویسی بود که برای افتتاحیه «نوازش قلم» به مشهد آمد و علاوه بر بازدید نمایشگاه دقایقی را نیز در جمع حاضران به ایراد سخن درباره خوشنویسی ایرانی پرداخت.

● **هنر؛ بدون حدومرز**

یدا... کابلی در پاسخ به سوال شهرآرا مبنی بر اینکه در این سال‌ها کشورهایی همچون امارات و ترکیه، با سرمایه‌گذاری‌های عظیم روی خوش‌نویسی، آثار هنرمندان ایرانی را خریداری می‌کنند و حتی به‌سمت مصادره کردن این هنر به نام خود حرکت می‌کنند، گفت: در این چندساله کشورهایی مثل ترکیه و امارات به خریداری آثار خوش‌نویسی ایران رغبت پیدا کرده‌اند و آثار ایرانی را حتی بدون امضا می‌خرند و با ایجاد کمی تغییر روی آثار، آن‌ها را با امضاهای عربی می‌فروشند یا در موزه‌هایشان به نمایش می‌گذارند.

به گفته او، خوش‌نویسی ایرانی باتوجه‌به سابقه دیرینه‌اش، با نام ایران و ایرانی و با فرهنگ گران‌قدر این سرزمین پیوند خورده و اوراق بزرگی از کتاب فرهنگستان جهان را به خود اختصاص داده است: «هر پژوهشگری که در عرصه‌های مختلف فرهنگ و تمدن ایران کنکاش می‌کند، به موضوع خوش‌نویسی که می‌رسد، حداقل یک رساله درباره آن منتشر می‌کند. این اتفاق نشان‌دهنده جایگاه والای خوش‌نویسی به‌عنوان هنر ملی سرزمین ماست. در موزه‌های دنیا کمتر جایی است که نمونه‌ای از آثار خوش‌نویسی ایرانی را نداشته باشد.»

او با تاکید بر جایگاه والای خط ایرانی ادامه داد: این روزها نه‌تنها کشورهای عربی بلکه باقی کشورها نیز به‌دلیل سرمایه‌گذاری‌های کلانی که برای توسعه خوش‌نویسی می‌کنند، موفق به برگزاری جشنواره جهانی می‌شوند اما ما برای این مهم نه بودجه‌ای داریم و نه توجهی به هنر و هنرمند می‌کنیم.

به نظر کابلی، به‌جای تبلیغات بسیار برای معرفی ایران، می‌توان آثار هنرمندان را در کشورهای مختلف دنیا به نمایش گذاشت. هنر تنها مقوله‌ای است که بدون حدومرز جغرافیایی و بدون خط‌ومرز اجتماعی در هر گوشه از عالم با اقبال روبه‌رو می‌شود اما متاسفانه برخی مسئولان فرهنگی ما به آن بی توجه هستند.

● **ضرورت نگاه گسترده‌تر به خوش‌نویسی**

کابلی در ادامه سخنانش گفت: اگر بخواهیم درباره هنر کوشش بنیادی کنیم، باید نگاه گسترده‌تری به خوش‌نویسی داشته باشیم. «هنرمندان ما این روزها بی‌مزدومنت کار می‌کنند و بعد کوچک‌ترین بهره‌ای از تلاششان نمی‌برند. اتفاقات این‌چنینی باعث می‌شود که بیشتر هنرمندان ما آثار خودشان را در کشورهای دیگر ارائه دهند.»

به نظر این استاد خوش‌نویسی، باید مسئولان فرهنگی به فعالیت و خلاقیت هنرمندان جوان نام‌آشنا توجه کنند: «متاسفانه ما حاضر نیستیم بخش اندکی از منابع عظیم مالی کشور را صرف آثار هنری کنیم. در جشنواره تجسمی فجر که بزرگ‌ترین رویداد هنری کشور است، ما برای اهدای جوایز با مشکل روبه‌رو هستیم مثلا امسال تنها یک جایزه ۱۵میلیونی برای یک برنده درنظر گرفته شده بود که با ایستادگی بسیار توانستیم آن را تقسیم کنیم و برای بخش‌های مختلف خوش‌نویسی، به هر برنده تنها ۵میلیون تومان هدیه کنیم.»

به نظر کابلی قبل از برگزاری جشنواره‌ها، مسئولان برگزارکننده باید با داوران کارآزموده و ملی مشورت کنند تا آن‌ها با ارائه راهکارهای درست، فرصتی برای رشد جوانان هنرمند ایجاد کنند.

● **استفاده نکردن درست از فناوری**

کابلی در بخش دیگری از صحبت‌هایش، درباره میزان آسیب‌رسانی فناوری به هنر گفت: به نظر من، فناوری همیشه در خدمت مردم و هنر بوده است. ما سال‌ها پیش نمی‌توانستیم آثار مهم جهان را که در موزه‌های مختلف هستند، مشاهده کنیم اما این روزها زیباترین آثاری که در موزه‌های دنیا یا درمیان آثار مجموعه‌دارها به‌عنوان آثار ایرانی وجود دارد، با پرینت رنگی چاپ شده است و خوش‌نویسان می‌توانند بهترین آثار خوش‌نویسی ایران را در اختیار داشته‌باشند. این اتفاق قطعا به آموزش خوش‌نویسی کمک کرده است.

او با اشاره به اینکه در دنیا از تمام آثار هنرمندان پرینت نزدیک به اصل وجود دارد، این امر را در کشورهای اروپایی و غربی، رایج دانست.

به گفته او زمانی که جامعه ناآشنای ما با هنر برای اولین‌بار کارهای پرینت را به قیمت زیاد خریداری کرد، برخی هنرمندان ترغیب شدند تا آثار چاپی بیشتری را به‌عنوان اصل بفروشند؛ اتفاقی که باعث شد آبروی مملکت در خارج از کشور برود و از هنرمند مربوط شکایت شود. این استاد خوش‌نویسی در پایان صحبت‌هایش، به افرادی که می‌خواهند آثار خطی قدیمی را خریداری کنند، پیشنهاد داد پیش از خرید با یک خوش‌نویس کارآزموده مشورت کنند.

گفت‌وگو

خیلی از آهنگ‌های شاد تراژدی است

گفت‌وگو با کاوه آفاق به‌بهانه حضورش در مشهد

عکس: مهدیه غفوریان

بهار احمدی| کاوه آفاق، هنرمند نام‌آشنای عرصه موسیقی و سبک راک است که این روزها با انتشار آلبوم‌های موسیقی و برپایی کنسرت‌های خود، بسیار بر سر زبان‌هاست. شاید جالب باشد بدانید که آفاق، نخستین گروه موسیقی خود را تحت عنوان «پارت» راه انداخت و نخستین اجرای زنده خویش را درقالب اجرایی دانشجویی در دانشگاه خیام مشهد (دانشگاهی که در آن دوره کارشناسی‌اش را گذراند) به روی صحنه برد. «کاویان» و «the ways» دیگر گروه‌های موسیقی‌ای بودند که آفاق فعالیت حرفه‌ای خود را در آن‌ها ادامه داد و ماحصل بیش از ۲۰ سال آهنگ‌سازی و ترانه‌سرایی این موسیقی‌دان، انتشار آلبوم‌های «استرس»، «با قرص‌ها می‌رقصد»، «شال» و «لوتوس» است. او همچنین تجربه خوانندگی و آهنگ‌سازی برای چندین سریال، تئاتر و فیلم سینمایی را دارد. کاوه آفاق با برپایی نمایشگاه نقاشی‌هایش بر توانایی‌های خود صحه گذاشته و تحسین همگان را برانگیخته است. آفاق تجربه بازی در دو تئاتر «درخت بلوط» و «خاکستری» را هم در کارنامه هنری خود دارد و برپایی مراسم جشن امضای آثارش در کتاب‌فروشی نشر چشمه دلشدگان مشهد، فرصت مناسبی برای تجدید دیدار او با هوادارانش بود. به همین بهانه گفت‌وگوی کوتاهی با این خواننده ترتیب دادیم که متاسفانه به‌دلیل محدودیت زمان، مجال پرسش سوالات بیشتری فراهم نشد.

● **جناب آفاق! همان‌طور که می‌دانیم، شما غیر از موسیقی در زمینه نقاشی و تئاتر هم فعالیت‌هایی انجام داده‌اید و از آنجاکه مردم معمولا یک هنرمند را در قالبی که به آن‌ها معرفی شده است می‌پذیرند، آیا برخورد آنان با کاوه آفاقِ نقاش و بازیگر هم مثبت بوده است؟ واکنش مردم را در این‌باره چطور دیدید؟**

خب، قاعدتا همواره هوادارانم، هوای من را در شرایط و قالب‌های مختلف داشته‌اند و در این زمینه‌ها یعنی برپایی نمایشگاه نقاشی و همچنین اجرای تئاتر نیز استقبال آن‌ها، واقعا من را خوشحال کرد. باتوجه‌به اینکه من نقاشی را به موازات موسیقی انجام می‌دادم، بازخوردها خوشبختانه بسیار خوب بود.

● **با وجود اینکه بیشتر مخاطبان، شما را به‌عنوان آهنگ‌ساز، ترانه‌سرا، خواننده و نوازنده می‌شناسند، در عرصه تئاتر نیز خوش درخشیدید و تجربه چندین اجرای تئاتر را در کارنامه هنری خود دارید، آیا قصد ادامه دادن این مسیر را هم دارید؟**

بله، اگر متن خوب، درست و جذابی به من پیشنهاد شود، چرا که نه؟ با کمال میل می‌پذیرم.

● **بازگردیم به اصل مطلب و فعالیت اصلی شما که موسیقی است؛ ما در گویش کردی، واژه‌ای به نام تسیان داریم که به معنای مه درون، غم درون است که به گمان من، در بسیاری از آثار شما این حس به مخاطب القا می‌شود. این غم از کجا می‌آید؟ اصلا عمدی است یا خیر؟**

خیر، عمدی نبوده است. این به‌عهده مخاطب است که چه تلقی و ادراکی از شنیدن یک موسیقی داشته باشد و کاملا بستگی به حال‌وهوای شخصی آن فرد دارد اما درمجموع، من تا به امروز موسیقی‌هایی که حتی ریتمیک و شاد بوده‌اند اما ردیفی از اندوه در آن‌ها دیده نشده است را نپسندیده‌ام. خیلی از آهنگ‌های شاد خودمان هم تراژدی است.

● **شما برای مخاطب خاص و گروه سنی ویژه‌ای می‌خوانید یا برایتان فرقی نمی‌کند که مخاطبتان چه طیفی را دربر بگیرد؟**

راستش خیر، فرقی نمی‌کند. هر کس که سبک موسیقی مرا بپسندند، مخاطب من است. هرچه هم مخاطبان بیشتر باشند، به سود منافع معنوی و حتی مادی من است.

سرگرمی برای سرگرمی

نگاهی به فیلم «رحمان ۱۴۰۰» از فتح گیشه نوروزی تا توقیف

یادداشت

محمد عنبرسوزا| یکی از نکات جالب گیشه نوروزی ۹۸ اختلاف طبقاتی طعنه‌آمیز پرفروش‌ترین و کم‌فروش‌ترین فیلم‌هاست. در قعر جدول فروش، «غلامرضا تختی» بهرام توکلی جا خوش کرده است که هنوز دقیقا کسی نمی‌داند چرا این فیلم، با محوریت یکی از شخصیت‌های دوست‌داشتنی تاریخ معاصر ایران، این چنین زمین گیر شده است اما در صدر جدول درحالی که دوقطبی همیشگی اجتماعی-کمدی بین «متری شیش‌ونیم» و «رحمان ۱۴۰۰» تا پایان تعطیلات برقرار بود، با شروع فروش بلیت‌های نیم بها این «رحمان ۱۴۰۰» است که اختلافش را با رقبا زیاد کرده و به‌تنهایی برای جابه‌جایی رکوردهای فروش آماده شده است اما در روزهای گذشته و درپی اعتراض برخی مخاطبان، خبرگزاری‌ها از قول غلامرضا فرجی، مدیرکل سینمای حرفه‌ای سازمان سینمایی، اعلام کردند که فیلم «رحمان ۱۴۰۰» به شکل فعلی‌اش مجوز اکران ندارد و نسخه‌ای از فیلم که مجوز ارشاد را گرفته است، همین نسخه‌ای نیست که در سینماهای مردمی اکران می‌شود. در ادامه نیز اعلام شد اکران «رحمان ۱۴۰۰» تا گرفتن تصمیمات مناسب و قانونی متوقف شده است که این اتفاق، احتمالا لطمه سنگینی به روند فروش فیلم خواهد زد. نکته جالب اینکه تاکنون بیش از یک میلیون بیننده، همین نسخه بدون مجوز را تماشا کرده‌اند و مشخص نیست چرا بازرسان این قدر دیر از اختلاف نسخه‌ها مطلع شده‌اند. فارغ از این حواشی و اتفاقاتی که در روزهای آینده رخ خواهد داد، خود فیلم هم از زاویه‌های مختلف بررسی‌شدنی است.

شروع «رحمان ۱۴۰۰»، از نظر پررنگ بودن بازیگرانش، حسابی دست مخاطب را در پوست گردو می‌گذارد اما فقط پس از چند دقیقه گویی بیننده از رکبی که خورده است، خوشحال هم می‌شود. موضوع این است که تیزرها و پوسترهای فیلم به مردم وعده تماشای فیلمی با محوریت مثلث گلزار، مدیری و بیات را می‌دهد اما فیلم بر محور مثل دیگری، یعنی آقاخانی، افشاری و یکتا ناصر می‌چرخد. در این میان مردم اصلا احساس بازی خوردن نمی‌کنند؛ چراکه اتفاقا زوج سعید آقاخانی و بهرام افشاری به لحاظ بازیگری در سطح خوبی قرار دارند و کار را درمی‌آورند؛ البته افشاری، به‌عنوان وردست قهرمان، تاحدی از همان بهتاش پایتخت تغذیه می‌کند و شوخی‌ها را با فیزیک خاص بدنی‌اش پیش می‌برد، اما سعید آقاخانی بی‌اغراق کم‌نظیر است و حاصل چند دهه حضورش در عرصه کمدی را یک‌جا تقدیم مخاطب می‌کند تا کسی از کم‌رنگ بودن و حضور تبلیغاتی مدیری، گلزار و ساره بیات، مکدر نشود. فیلم اساسا اثری خوش رنگ‌ولعاب است و به‌جرئت می‌توان گفت رگ خواب مخاطب عام را به‌خوبی در دست دارد. با تمام این احوال، مسئله اصلی بر سر شوخی‌های فیلم است که بیننده را حیرت‌زده می‌کند؛ چراکه این حجم از ولنگاری هیچ توجیهی ندارد، جز اینکه مجوز روی پرده رفتن چنین شوخی‌های بی‌سابقه‌ای، حاصل یک رانت قدرتمند است، بنابراین مسئله مهمی که درمورد «رحمان ۱۴۰۰» باید واکاوی شود، شوخی‌های پرتعداد و رگباری آن است.

طنز «رحمان ۱۴۰۰» عمدتا مبتنی بر شوخی‌های کلامی است و به شکل پینگ‌پنگی در رفت‌وبرگشت بین آقاخانی و افشاری و گاه با مشارکت گلزار، شکل می‌گیرد. محتوای شوخی‌ها اما به‌طرز وحشتناکی باورناپذیر است و بیننده بیشتر از آنکه از خود شوخی‌ها بخندد، از بیان آن‌ها روی پرده سینما شگفت‌زده می‌شود. علاوه‌بر مجموعه این شوخی‌های متداول در سال‌های اخیر سینمای ایران که از دومین سکانس فیلم آغاز می‌شود، مانور گل‌درشت روی شوخی‌هایی با رنگ‌وبوی همجنس‌گرایانه از دیگر نکات عجیب‌وغریب طراحی‌شده در فیلم‌نامه «رحمان ۱۴۰۰» است. علاوه‌بر این‌ها فیلم‌نامه در تلاش است تا با هر مفهومی که به گوش بیننده آشناست، هم شوخی کند و از ربط دادن مسائل به عراق و لیبی توسط مدیری گرفته تا صندوق ورشکسته‌ای به نام جاسپین و فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی، برای خنداندن مخاطب، هیچ ابایی از طرح موضوعات باربط و بی‌ربط ندارد.

از این‌ها که بگذریم، فیلم دچار یک نقطه غم‌انگیز دیگر است که در رسانه‌ها کمتر به آن پرداخته شده است و آن تمسخر فقر است. داستان از این قرار است که علی‌الظاهر «رحمان ۱۴۰۰» بنا دارد کمدی طعنه‌آمیزی به ژن‌های خوب باشد و طبقه فرودست جامعه را بستاید. این رویکرد اما در مسیر فیلم به یک نقض غرض خنده‌دار در حد فاجعه تبدیل می‌شود و تحقیر قشری که همان ژن‌های خوب با الفاظ زشتی مانند دهاتی، پایین‌شهری و... خطابش می‌کنند، در کل اثر موج می‌زند. این ضدفرهنگ نابخردانه بالاخص بر شخصیت شراره، با بازی یکتا ناصر و دختر او متمرکز است، به‌طوری که در طول ۹۰دقیقه این دو شخصیت را فیلم‌ساز به قدری لگدمال می‌کند که بیان دیالوگ مصنوعی «ژن‌های خوب واقعی شماهایین» در پایان فیلم، هم راه به جایی نمی‌برد و نمی‌تواند زهر تلخ قضیه را از دل مخاطب بیرون کند. طراحی اغراق‌شده کاراکتر شراره و آن لحن بیان مشمئزکننده را وقتی با شکل شخصیت‌اشکان، با بازی محمدرضا گلزار، و نازی، با بازی ساره بیات، مقایسه کنید، درخواهید یافت که فیلم‌ساز در پایان، بیشتر طرف همان ژن‌های خوب ایستاده است و بیننده را از شریف بودن دلزده می‌کند. نکته آزاردهنده دیگر در ساخت «رحمان ۱۴۰۰» به جلوه‌های ویژه این فیلم برمی‌گردد؛ جایی که سکانس‌های حاوی یک حادثه به سهل‌انگارانه‌ترین شکل ممکن ساخته شده‌اند؛ مثلا سکانس افتادن لامبورگینی در استخر و خارج کردنش به قدری آماتورگونه طراحی شده است که به بیننده توهین می‌شود یا سکانس سقوط رحمان از ساختمان را انگار چند نوجوان با دم‌دستی‌ترین نرم‌افزارهای موجود طراحی کرده‌اند تا در پایان ترم، نمره‌ای از معلمشان بگیرند.

به این‌ها سکانس پرواز بادکنک‌ها را هم اضافه کنید که نشان می‌دهد تیم تولید مجموعه چقدر بی‌سلیقه عمل کرده‌اند و کمترین التفاتی به شأن و منزلت مخاطب نداشته‌اند. ظاهرا بیننده فقط موجودی است که باید پول بدهد تا لباس‌ها، خانه‌ها و خودروهای لاکچری را تماشا کند، با شوخی‌های ممنوعه بخندد و تمام. رسالت سینمای تنزل‌یافته همین است که ترجیح می‌دهد حتی پول یک تیم حرفه‌ای جلوه‌های ویژه را هم ذخیره‌ها نهایتا آن را خرج ستاره‌های خوش تیپش کند.

> شهرام ناظری: **آثار ماندگار زمانی به‌وجود می‌آیند که هنرمندان با یکدیگر همدلی و به یکدیگر عشق داشته باشند. وقتی جای این‌ها را حس‌های منفی بگیرد، نمی‌شود اثر ماندگار تولید کرد.**

تصویرساز شهرآرا به عنوان برترین کارتونیست سال ایران انتخاب شد

خبر

علیرضا پاکدل کارتونیست روزنامه شهرآرا از سوی انجمن کارتونیست‌های تبریز در مراسمی که در روز جهانی کارتون در این شهر برگزار شد به‌عنوان برترین کارتونیست سال ایران شناخته شد. نشست سالانه انجمن کارتونیست‌های تبریز روز چندی پیش با حضور استاندار آذربایجان شرقی، معاون عمرانی استاندار، فرماندار تبریز و مدیران اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز میراث فرهنگی این استان برگزار شد که علیرضا پاکدل از مشهد به‌عنوان بهترین کارتونیست ایران و جیتتو کواستانا از اندونزی به‌عنوان بهترین کارتونیست سال جهان، انتخاب شدند.

نماشهر

مصطفی عباسی | شهرآرا

«نوازش قلم» در رضوان

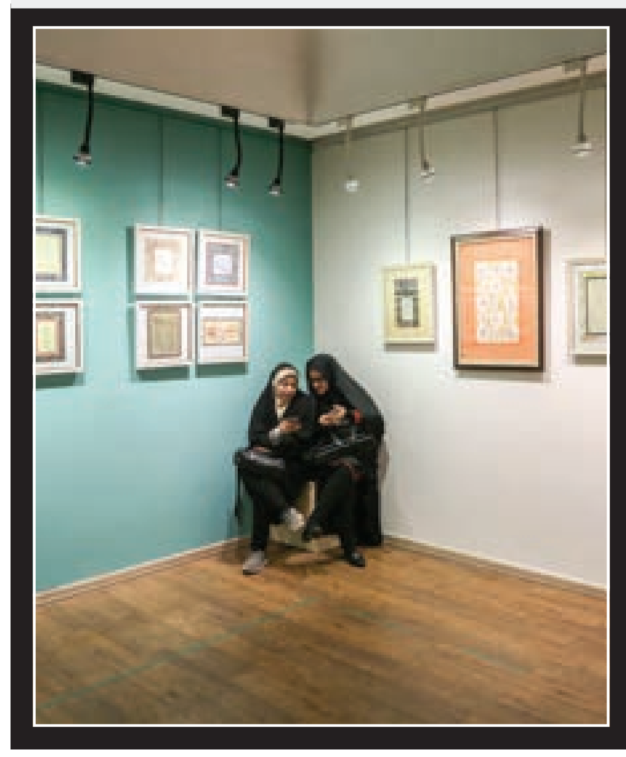

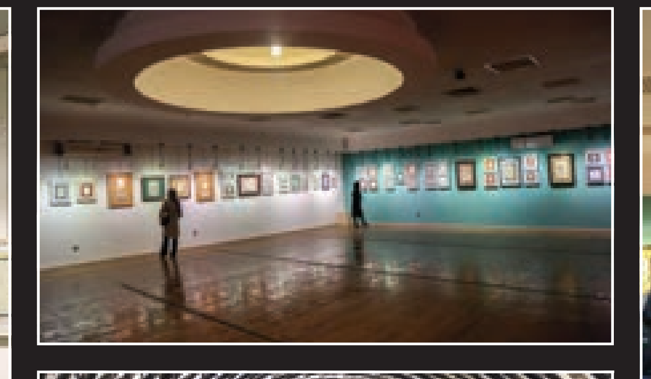

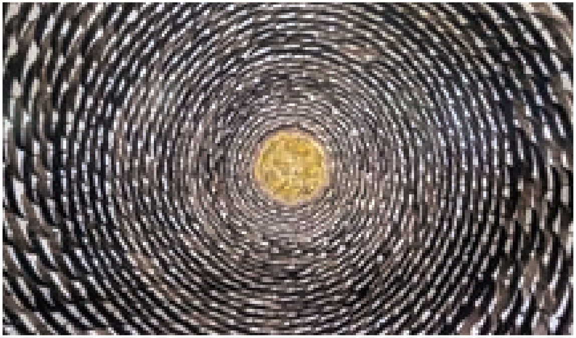

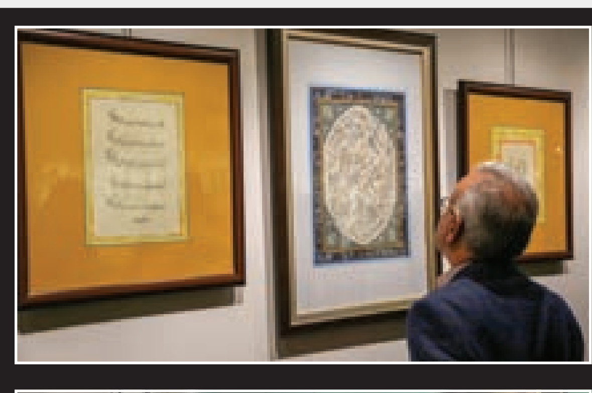

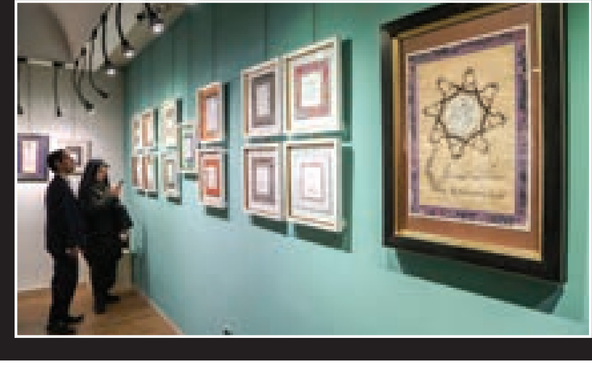

نمایشگاه آثار خوش نویسی شکسته نستعلیق مهدی اسماعیلی مود، هنرمند اهل خراسان جنوبی، با عنوان «نوازش قلم» در نگارخانه رضوان مشهد در حال برگزاری است که افتتاحیه این نمایشگاه با حضور یدالله کابلی و با رونمایی از کتاب آثار هنرمندان فوق ممتاز خراسان جنوبی همراه شد. به گفته اسماعیلی مود این کتاب به همت انجمن خوشنویسان بیرجند جمع آوری و با همکاری حوزه هنری و اداره کل فرهنگ و ارشاد به چاپ رسیده و فرصتی است تا آثار هنرمندانی که در شهرستان ها و مناطق محروم هستند، دیده شود. در نمایشگاه «نوازش قلم» نزدیک به ۱۰۰ اثر متفاوت به نمایش گذاشته است. آثاری که پیش از این در شهر بیرجند به نمایش درآمده بودند و حال به نگارخانه رضوان مشهد رسیده‌اند.

مهدی اسماعیلی مود در افتتاحیه نمایشگاه نوازش قلم درباره برپایی این نمایشگاه در مشهد توضیح داد: من همیشه دوست داشتم نمایشگاهی در مشهد برپا کنم اما هیچ زمان کارهایم مرا راضی نمی کرد اما با راهنمایی‌های استاد کابلی و همچنین با اصرار همسرم این نمایشگاه را برگزار کردم تا فرصتی برای ارتباط با هنرمندان مشهدی باشد. علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند تا ۲۹ فروردین صبح از ساعت ۹ تا ۱۳ و عصر از ساعت ۱۷ تا ۲۰ به نگارخانه رضوان واقع در کوهسنگی ۱۷ مراجعه کنند.